

نقش مقام ابراهیم در نماز طواف

رضا عندلیبی* - مهدی درگاهی**

چکیده:

از واجبات حج و عمره، نماز طواف است، که به باور مشهور قریب به اجماع فقهای امامیه و با استناد به آیه شریفه قرآن، این نماز می‌بایست در کنار مقام ابراهیم علیه السلام گزارده شود؛ البته در مورد موضوعیت داشتن مکان فعلی مقام و همچنین موقعیت دقیق مکان نماز (پشت مقام یا طرفین) میان فقها اختلاف است، که پس از بررسی روایات متعدد باب و به مقتضای جمع عرفی بین آنها، مشخص می‌شود مکان فعلی مقام ابراهیم برای نماز طواف موضوعیت داشته و نماز طواف واجب، تنها پشت صخره مقام صحیح است؛ از احکام مستحدثه مرتبط با مقام نیز این است که در فرض جابجایی مقام از موضع فعلی، با توجه به اطلاق روایات، خود صخره مقام، موضوعیت داشته و هر جا که انتقال یابد، نماز طواف باید پشت آن اقامه شود.

کلیدواژه‌ها: مقام ابراهیم، نماز طواف، موضوعیت مکان، خلف مقام

مقدمه:

«مقام» در لغت از ریشه «ق و م» از «قام - تقوم» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۲، ص ۴۹۸) که در کاربردهای مصدری، اسم زمان و مکان به معانی «مکان ایستادن»، «همان، ص ۵۰۶»، «زمان ایستادن» (راغب، ۱۴۱۲ ق.، ص ۶۹۲) و «جای پای شخص ایستاده» (خلیل، ۱۴۱۰ ق.، ج ۵، ص ۲۳۲)؛ و جوهری، ۱۴۱۴ ق.، ج ۶، ص ۵۸) استعمال می‌شود.

مقام ابراهیم علیه السلام اسمی علم و با توجه به دو آیه شریفه:

* دانش آموخته سطح ۴ و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر و مدیر گروه فقه و حقوق

پژوهشکده حج و زیارت. Rezaandalibi61@yahoo.com

** دانش آموخته سطح ۴ و استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر پژوهشگاه المصطفی العالمیه.

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ ﴿آل عمران؛ ۹۷-۹۶﴾ و روایات (ازرقی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲، ص ۲۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش.، ج ۱، ص ۳۸۳) همان تکه سنگ مقدس در مسجدالحرام است که از یادگارهای ابراهیم خلیل علیه السلام می باشد (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۵۳) که امروزه با پوششی از طلا و در محفظه‌ای شیشه‌ای، میان گنبدی طلایی رنگ، رو به روی درب کعبه معظمه، به فاصله ۲۶/۵ ذراع (حدود سیزده متر) نگهداری می شود.

با توجه به روایات متعدد در منابع شیعه (سلیم بن قیس هلالی، ۱۴۰۵ق.، ج ۲، ص ۶۷۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۴، ص ۲۳۳، ج ۲، ص ۸، ص ۵۸، ح ۲۱؛ شیخ صدوق.، ۱۳۸۵ش.، ج ۲، ص ۴۲۳، ج ۱؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.، ج ۲، ص ۳۸۳) و اهل سنت (فاکهی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱، ص ۴۵۵؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق.، ج ۲، ص ۶۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق.، ج ۸، ص ۱۶۹) مشخص می شود که مکان این سنگ در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه، بین رکن حجرالاسود و در آن، در همان جهتی که موضع فعلی مقام ابراهیم است با فاصله عبور یک بُز (کتابه از فاصله‌ای کم) قرار داشته است. (فاکهی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱، ص ۳۵۵؛ فاسی مکی، ۱۳۸۶ش.، ج ۱، ص ۲۰۷) و در زمان جاهلیت به موضع فعلی منتقل شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به موضع اصلی برگرداند، (نوری، ۱۴۰۸ق.، ج ۹، ص ۴۳۱) اما عمر در جریان سیل ام‌نہشل و به بهانه ازدحام، آن را به جایگاه فعلی، که همان موضع زمان جاهلیت بوده برمی گرداند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، (تهذیب) ج ۵، ص ۴۵۴، ح ۲۳۲)؛ امیر مؤمنان، علی علیه السلام به خاطر پرهیز از اختلاف امت و قبول نکردن آنان، از بازگرداندن مقام به موضع اصلی اش امتناع ورزید (کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱) و امام زمان عج پس از ظهور، آن را به جایگاه اصلی اش بر می گرداند. (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.، (ارشاد)، ج ۲، ص ۳۸۳) به هر حال مقام ابراهیم هم اکنون در جایی است که در زمان حضرات معصومین علیهم السلام در مرآ و منظر ایشان بوده و آن‌ها با آگاهی از مکان اصلی (کنار کعبه معظمه) و جایگاه فعلی اش (در فاصله سیزده متری کعبه معظمه)، حکم طواف و نماز طواف را ناظر به آن بیان کرده‌اند.

اقوال فقها به تبع گزارش‌های رسیده از حضرات معصوم علیهم السلام از دوران شیخ کلینی و شیخ صدوق تا زمان معاصر مختلف است و چون نقش مقام ابراهیم در مکان نماز طواف، با صحت و بطلان آن ارتباط مستقیم دارد، بررسی این فرع فقهی، با واکاوی ادله طرفین و ارزیابی روایات مطرح شده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این مقاله در صدد بحث پیرامون وجوب یا استحباب نماز طواف نیستیم و تنها به این نکته اشاره می کنیم که هر چند برخی نظریه استحباب نماز طواف را به شاذ از اصحاب نسبت

داده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۲۷، ۱۳۸م؛ ابن ادریس، ج ۱، ص ۵۷۶)؛ ولی ظاهراً در مورد اصل وجوب نماز طواف اختلافی نیست و برای نظریه استحباب در میان فقها قائلی یافت نشد (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۰۰).

هدف ما در این تحقیق این است که در مبحث اول، نقش موضع فعلی مقام ابراهیم در نماز طواف را مشخص کنیم و در مبحث دوم بدانیم به فرض که مقام ابراهیم در مکان نماز طواف دخالت داشته باشد، در صورت جابجایی مقام، از مکان فعلی، آیا این جابجایی بر مکان نماز طواف نیز تأثیرگذار است یا نه؟

مبحث اول: نقش موضع فعلی مقام در نماز طواف

نظریه اول: موضوعیت مقام

برخی از فقها، جایگاه مقام ابراهیم را در مکان اقامه نماز طواف دخیل دانسته و آن را اجماعی می‌دانند، (ابن زهره، ص ۹۷) ولی بعضی این نظریه را اشهر، (شهید اول، ۱۴۱۷ق.، ج ۱، ص ۳۹۶) و عده‌ای نیز موضوعیت داشتن مقام را به مشهور فقهای شیعه نسبت می‌دهند. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق.، ج ۸، ص ۹۵؛ همو، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۰، ص ۳۲۶؛ موسوی عاملی، ج ۸، ص ۱۳۳؛ بحرانی، ج ۱۶، ص ۱۳۴).

تعابیر فقهای که برای مقام ابراهیم در نماز طواف موضوعیت قائل هستند، مختلف است، که می‌توان کلمات ایشان را به چهار دسته تقسیم کرد:

الف) عده‌ای با قبول موضوعیت مقام ابراهیم در صحت نماز طواف، اشاره‌ای بر این مطلب ندارند که نماز باید خلف مقام ابراهیم خوانده شود و یا طرفین آن هم کفایت می‌کند. تعابیری که ایشان برای تبیین موضوعیت مقام برای نماز طواف به کار برده‌اند، یا تنها «عند مقام ابراهیم» است؛ (شیخ مفید، المقنعه، ص ۴۲۰؛ سید مرتضی، ص ۱۰۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۵ق.، ص ۳۰۳ و ۳۰۴؛ همو، ۱۳۸۷ق.، ص ۱۳۹ و ۱۴۹؛ ابن ابی المجد حلبی، ص ۱۳۲؛ ابن زهره، ص ۹۷؛ کیدری، ص ۱۶۷؛ یحیی بن سعید حلی، ص ۱۹۹) و یا «فی مقام ابراهیم» بوده؛ (ابن حمزه، ص ۱۷۲؛ محقق حلی، ۱۴۱۵ق.، شرایع، ج ۱، ص ۲۴۳؛ و همو، ۱۴۱۵ق.، المختصر، ج ۱، ص ۹۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۲ق.، ج ۱۰، ص ۳۲۶؛ همو، ۱۴۱۱ق.، ص ۷۸؛ همو، ۱۴۱۰ق.،

ج ۱، ص ۳۲۴؛ همو، ۱۴۱۴ق. ج ۸، ص ۹۵؛ همو، بی تا، ج ۲، ص ۶) و یا هر دو تعبیر به کار رفته است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق.، ص ۲۴۲؛ همو، ۱۳۸۷ق.، ج ۱، ص ۳۶۰؛ سلار، ص ۱۱۰ و ۱۱۴؛ ابن ادریس، ج ۱، ص ۵۷۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق.، قواعد، ج ۱، ص ۴۴۶)

روشن است که تعبیر «عند المقام»، هم با «خلف مقام» و هم با «طرفین مقام» سازگار است؛ اما مشکل در تعبیر «فی المقام» است. هر چند برخی معتقدند باید ظاهر تعبیر «فی المقام» حفظ شده و نماز در صورت امکان بر روی صخره انجام پذیرد، (فاضل هندی، ج ۵، ص ۴۵۰) اما روشن است که این عمل امکان نداشته و این تعبیر در روایات وارد نشده و تنها در عبارات فقها - به خاطر وجود اتاکی در اطراف مقام در زمان های گذشته - مطرح گشته، که می بایست توجیه شود.

ب) برخی علاوه بر پذیرش موضوعیت مقام ابراهیم برای نماز طواف، به شرط بودن خلف مقام نیز تصریح کرده اند. از میان قدها می توان به ابن ابی عقیل، ابن جنید (علامه حلی، ۱۴۱۳ق.، (مختلف)، ج ۴، ص ۲۰۱) و قاضی ابن براج (همو، ج ۱، ص ۱۲۸) اشاره کرد. بیشتر متأخرین این نظریه را پذیرفته اند؛ از آن جمله می توان به محقق اردبیلی، (همو، ج ۷، ص ۸۷) محقق بحرانی، (همو، ج ۱۶، ص ۱۴۱-۱۳۸) محقق نراقی (همو، ج ۱۲، ص ۷۷ و ۱۳۹) و صاحب جواهر رحمته الله علیه (همو، ج ۱۹، ص ۳۱۹) اشاره کرد. از میان معاصرین نیز آیات عظام خویی، فاضل لنکرانی، تبریزی رحمته الله علیه، خامنه ای، سیستانی، شبیری زنجانی و مکارم شیرازی به شرط بودن اقامه نماز طواف در پشت مقام فتوا داده اند و برخی مثل امام خمینی و آیت الله بهجت رحمته الله علیه پشت مقام بودن را احتیاط واجب می دانند. (پژوهشکده، ۱۳۹۲ش.، ص ۴۴۱، م. ۷۷۸)

ج) دسته سوم با پذیرش موضوعیت مقام ابراهیم برای نماز طواف، به کفایت طرفین مقام در صحت نماز طواف علاوه بر خلف آن تصریح کرده اند. آیت الله سبحانی در این باره می نویسد: جایگاه نماز طواف نزد مقام ابراهیم است. بنابراین، پشت مقام و یا دو جانب او مادامی که جلوتر از مقام نباشد از نظر صحت نماز یکسان است. (پژوهشکده، ۱۳۹۲ش.، ص ۴۴۱، م ۷۷۸). شاید از اینکه شهید اول، (همو، بی تا، ص ۱۷۸) شهید ثانی (همو، ۱۴۲۲ق.، ص ۲۶۸) و صاحب ریاض (همو، ج ۷، ص ۲۱) نماز را در کل بقعه و بنای اطراف مقام صحیح دانسته اند، بتوان این نظریه را به آنان نسبت داد.

د) دسته چهارم از فقها کسانی هستند که میان نماز طواف حج و عمره و نماز طواف نساء فرق گذاشته و تنها در اولی برای مقام ابراهیم موضوعیت قائل اند.

شیخ صدوق (همو، ۱۴۱۵ق.، ص ۲۸۷؛ همو، ۱۴۱۳ق.، ج ۲، ص ۵۵۱؛ همو، ۱۴۱۸ق.، ص ۲۴۸-۲۴۷) و پدر ایشان علی بن بابویه (علامه حلی، ۱۴۱۳ق.، (مختلف)، ج ۴، ص ۲۰۱) از این دسته به شمار می‌روند؛ به عبارت دیگر، هر چند شیخ صدوق و پدر بزرگوارشان، در موضوعیت داشتن مقام برای نماز طواف، قائل به تفصیل هستند، اما در همان مورد تفصیل به شرطیت خلف مقام تصریح کرده‌اند.

روشن است که نظر دسته اول با هر یک از نظریات سه گانه بعدی قابل جمع است؛ زیرا به شرط بودن خلف و یا کفایت داشتن طرفین مقام در صحت نماز طواف تصریح نکرده و به طور مجمل برای مقام ابراهیم در مکان نماز طواف موضوعیت قائل است. پس نمی‌توان دلیل مستقلاً برای آن ذکر کرد، بلکه اصلاً نمی‌توان آن را نظریه مستقلاً در قبال نظریات دیگر دانست. بنابراین، در ادامه، ابتدا فارغ از تبیین ادله هر کدام از این نظریات و بررسی صحت و سقم آن، تنها به ادله اصل «موضوعیت داشتن مقام برای نماز طواف» اشاره می‌شود و بعد از آن، ادله هر یک از آرا بررسی خواهد شد.

ادله اصل موضوعیت:

دلیل اول: آیه شریفه ﴿وَإِخْتِذَا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ (بقره: ۱۲۵)

از یک سو می‌دانیم قطعاً نماز دیگری غیر از نماز طواف در کنار مقام ابراهیم واجب نیست (ابن ادریس، ج ۱، ص ۵۷۷؛ مؤمن سبزواری، ۱۴۲۱ق.، ص ۶۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق.، ج ۸، ص ۹۴) و از سوی دیگر پیامبر خدا ﷺ وقتی نماز طواف را در کنار مقام ابراهیم اقامه کرد، آیه ﴿وَإِخْتِذَا مِنْ مَقَامِ﴾ را تلاوت کرد (طبرسی، ج ۱، ص ۳۸۳؛ جرجانی، ج ۱، ص ۳۷۷) بلکه برخی معتقدند آیه در همین زمان نازل شده است. (ابن حجر عسقلانی، ج ۱، ص ۶۹؛ کردی مکی، ج ۳، ص ۳۴۹؛ ابن جبیر، ص ۵۵؛ ابن بطوطه، ج ۱، ص ۳۷۴).

بنابراین مشخص می‌شود مقام ابراهیم در نماز طواف موضوعیت دارد. (نجفی،

ج ۱۹، ص ۳۱۶؛ شاهرودی، ج ۴، ص ۳۱۸)

اشکال:

آیه شریفه بر موضوعیت داشتن مقام ابراهیم در مکان نماز طواف صراحت ندارد؛ زیرا اگر «من» به معنای «فی» و یا تبعیضیه باشد - که ظاهر هم همین است - لازمه اش این است که مقصود از «مقام»، مسجد یا حرم باشد؛ زیرا نماز بر روی صخره و یا قسمتی از آن ممکن نیست. بنابراین، یا مراد نزدیک صخره مقام است، که بر کل مسجد نزدیک مقام اطلاق می شود و یا الاقرب فالاقرب مراد است، که باید اقرب به موضع مقام در زمان نزول آیه؛ یعنی موضع زمان پیامبر خدا ﷺ و زمان قیام حضرت حجت علیه السلام در نظر گرفته شود، که در این صورت باید نزدیک در کعبه نماز را به جا آورد و یا با جا به جا شدن مقام، مکان نماز طواف نیز تغییر کند، که هیچ کس به آن ملتزم نمی شود. بنابراین، از این آیه شریفه نمی توان مطلبی را استفاده کرد. (فاضل هندی، ج ۵، ص ۴۴۶).

پاسخ:

درست است که آیه شریفه صراحت در مدعای ما ندارد، ولی با توجه به روایات مفسره و استدلال ائمه علیهم السلام به این آیه، (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۵، ح ۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۷، ح ۱۲۳ و ص ۱۳۸، ح ۱۲۶) در ظهور این آیه در موضوعیت داشتن مقام در مکان نماز طواف، تردیدی وجود ندارد. علاوه بر این، در صورتی که ما نمی توانیم آیه را بر معنای حقیقی آن حمل کنیم، ناچاریم آن را بر نزدیک ترین معنای مجازی حمل نماییم. افزون بر اینها، اینکه می گوئید: «لازمه اش این است که با جا به جا شدن مقام، مکان نماز طواف نیز تغییر کند و هیچ کس به آن ملتزم نمی شود» نیز ادعایی بی دلیل است؛ زیرا عدم التزام فقها به آن، به خاطر عدم طرح این مسأله است. (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۱۷) و همانطور که در مبحث بعد خواهیم گفت، بسیاری این لازمه را پذیرفته اند. بنابراین، آیه برای خود مقام موضوعیت قائل است و طبق این آیه باید نماز را نزدیک مقام - هر جا که باشد - به جا آورد.

دلیل دوم: روایات مستفیض

برای اثبات اصل موضوعیت داشتن مقام ابراهیم، روایات فراوانی وارد شده، که ما در اینجا تنها به نقل سه حدیث صحیح بسنده می کنیم:

روایت اول: صحیح ابن ابی محمود:

«ابراهیم بن ابی محمود گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: دو رکعت نماز طواف واجب پشت مقام را در موضع فعلی مقام به جا آورم یا در موضع زمان پیامبر صلی الله علیه و آله؟ حضرت فرمود: موضع فعلی مقام ابراهیم.^۱ (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۳۷؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۳، ح ۱).

روایت دوم: صحیح صفوان و معاویه بن عمار:

«امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی طوافت پایان پذیرفت، نزد مقام ابراهیم بیا و دو رکعت نماز بخوان و مقام را در امام (روبه روی) خود قرار ده.»^۲ (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۳؛ و حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۴، ح ۳).

روایت سوم: صحیح حلبی:

«امام صادق علیه السلام فرمود: مناسک حج قرآن همانند مناسک حج افراد است و جز در همراهی هندی (قربانی) فضیلتش از آن بیشتر نیست و بر او واجب است که پیرامون کعبه طواف کند و دو رکعت نماز پشت مقام به جا آورد.»^۳ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۲؛ و حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۱۸، ح ۶).

مضمون این احادیث این است که مقام ابراهیم و موضع فعلی آن، به طور اجمالی در مکان نماز طواف موضوعیت دارد.

ادله نظریات دیگر:

۱. ادله نظریه کفایت طرفین

دلیل اول: آیه شریفه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ (بقره: ۱۲۵)

در توضیح معنای آیه شریفه باید به این نکته توجه داشت که بین «اتخذوا مقام ابراهیم مصلی» و «اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» تفاوت وجود دارد. هر چند در استعمالات

۱. «عن إبراهيم بن أبي محمود قال: قلت للرضا عليه السلام أصلي ركعتي طواف الفريضة خلف المقام حيث هو الساعة أو حيث كان على عهد رسول الله صلى الله عليه وآله قال حيث هو الساعة».

۲. «عن صفوان بن يحيى ومعاوية بن عمار قال: قال أبو عبد الله عليه السلام إذا فرغت من طوافك فائت مقام إبراهيم فصل ركعتين واجعله إماماً... الحديث».

۳. «عن الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنما نسك الذي يقرن بين الصفا والمروة مثل نسك المفرد ليس بأفضل منه إلا بسباق الهدى وعليه طواف بالبيت وصلاة ركعتين خلف المقام... الحديث».

عرب «مِن» به معنای «تبعیض»، «ابتدائیت»، «فی» و «عند» استعمال شده است، اما برای تعیین یکی از این معانی، باید به استعمالات قرآنی (نحل: ۶۸؛ اعراف: ۷۴؛ نساء: ۱۱۸؛ نحل: ۶۷) مراجعه کنیم.

در تمامی آیات شریفه، امر عامی وجود دارد که قسمتی از آن برای غرضی اتخاذ شده است. پس در همه موارد «مِن» تنها برای تبعیض است و احتمال دیگری متصور نیست. بنابراین، نمی‌توان «مِن» در آیه مورد بحث را استعمال شده در معنای دیگری دانست؛ چراکه تنها استعمال قرآنی «مِن» در تبعیض است و اصلاً ماده «اتَّخَذَ» با «فی» و یا «عند» استعمال نمی‌شود. پس نباید در معنای «مِن» تصرف کنیم، بلکه باید در لفظ «مقام» تصرف کرده و آن را به محیط اطراف صخره اطلاق کنیم. بنابراین، در آیه مورد بحث ما نیز از آنجا که نمی‌توان قسمتی از صخره مقام را به عنوان جایگاه نماز اتخاذ کرد، خداوند به ما دستور داده تا قسمتی از مجاور و محدوده نزدیک به آن را به عنوان جایگاه نماز اتخاذ کنیم. اطلاق آیه شامل خلف (پشت) مقام و طرفین مقام می‌شود و اختصاص به خلف آن ندارد. بنابراین، آیه شریفه بدون استناد به روایات مفسره اطلاق دارد (سبحانی، ج ۴، ص ۲۱۷-۲۱۴). در برخی از روایات تفسیر کننده آیه (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۵؛ شیخ طوسی، ج ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۳۹؛ همو، ۱۳۹۰ق.، ج ۲، ص ۲۳۵؛ طبرسی، ج ۱، ص ۳۸۳؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۳۱، ج ۱۶ و ص ۴۳۲، ح ۱۹) نیز اشاره‌ای به خلف مقام نشده است و با استناد به آیه شریفه، به صورت اطلاق با واژه «عند المقام»، مکان نماز طواف را بیان می‌کنند. پس آیه شریفه و روایات تفسیر کننده اطلاق دارند و اثبات می‌کنند که نماز طواف در طرفین مقام نیز صحیح است.

دلیل دوم: روایات غیر مُفسِّره

در برخی احادیث دیگر (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش.، ج ۲، ص ۶۰۶؛ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۳۳، ح ۲۹) بدون استناد به آیه شریفه، تنها با واژه «عند المقام»، مکان نماز طواف بیان شده که روشن است این واژه اطلاق داشته و شامل خلف مقام و طرفین آن نیز می‌شود. بنابراین روایات، اقامه نماز طواف در کنار و نزد مقام ابراهیم نیز کافی است، و نسبت به خلف و پشت مقام اطلاق دارد.

۲. أدلة نظرية خلف مقام

دلیل اول: روایات تفسیر کننده آیه ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾

با توجه به این روایات، مشخص می شود ائمه علیهم السلام با استناد به آیه مذکور، تنها خلف

مقام را در صحت نماز شرط می دانند:

«راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: همه باید دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام به جا آورند؛ چرا که خداوند متعال می فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»؛ پس اگر در غیر از این موضع به جا آوردی باید آن را اعاده کنی.»^۱ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۷؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۵، ح ۱).

«ابو عبد الله ایزاری گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وظیفه کسی که فراموش کرده و نماز طواف را در حجر (اسماعیل) به جا آورده، چیست؟ حضرت فرمود: باید آن را پشت مقام ابراهیم اعاده کند؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»؛ مقصود خداوند متعال از این آیه دو رکعت نماز طواف واجب است.»^۲ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۸؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۵، ح ۲).

متطابق این روایات، که در مقام تفسیر آیه شریفه هستند، نماز طواف تنها در خلف

مقام صحیح است.

دلیل دوم: روایات تشریح کننده نماز طواف در خلف مقام

«ابراهیم بن ابو محمود گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: دو رکعت نماز طواف واجب پشت مقام را در موضع فعلی مقام به جا آورم یا در موضع زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله؟ حضرت فرمود: موضع فعلی مقام ابراهیم.»^۳ (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۷؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۳، ح ۱).

۱. «عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا خَلْفَ الْمَقَامِ لِقَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ فَإِنْ صَلَّيْتَهَا فِي غَيْرِهِ فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ».

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَبْرَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ فِي الْحِجْرِ قَالَ يُعِيدُهُمَا خَلْفَ الْمَقَامِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ عَنِّي بِذَلِكَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ».

۳. «عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرَّضَا عليه السلام أَصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ حَيْثُ هُوَ السَّاعَةَ».

«امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی طوافت پایان پذیرفت، نزد مقام ابراهیم بیا و دو رکعت نماز بخوان و مقام را أمام (روبه روی) خود قرار بده.»^۱ (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۳؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۴، ح ۳).

و نیز حلبی به نقل از امام صادق علیه السلام آورده است که فرمودند: «مناسک حج قرآن همانند مناسک حج افراد است و جز در همراهی هدی (قربانی) فضیلتش از آن بیشتر نیست و بر او واجب است که پیرامون کعبه طواف کند و دو رکعت نماز پشت مقام به جا آورد.»^۲ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۴۲؛ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۱۸، ح ۶).
در این روایات، به شرطیت اقامه نماز طواف در پشت مقام ابراهیم تصریح شده است.

۳. ادله نظریه تفصیل

دلیل اول: روایت فقه الرضا علیه السلام

به فرموده برخی، تنها دلیل روایی که می توان برای این نظریه مطرح کرد، روایت موجود در فقه الرضاست. (فاضل هندی، ج ۵، ص ۴۴۷) البته از آنجا که دأب قدمایی مانند شیخ صدوق و پدرش برای طرح فتوا، عین عبارات روایات بوده و این دو بزرگوار این نظریه را مطرح کرده اند، می توان فتاوی آنان را نیز روایت مرسله دانست؛ «وإن تيمأ لك أن تُصلي صلواتك كلها عند الحطيم فإنه أفضل بقعة على وجه الأرض و الحطيم ما بين الباب و الحجر الأسود و هو الموضع الذي فيه تاب الله على آدم عليه السلام و بعده الصلاة في الحجر أفضل و بعده ما بين الركن العراقي و الباب و هو الموضع الذي كان فيه المقام في عهد إبراهيم عليه السلام إلى عهد رسول الله صلى الله عليه و آله و بعده خلف المقام الذي هو الساعة و ما قرب من البيت فهو أفضل إلا أنه لا يجوز أن تصلي ركعتي طواف الحج و العمرة إلا خلف المقام حيث هو الساعة» (منسوب به امام رضا، ص ۲۲۳).

بررسی سند روایت:

این روایت در کتاب فقه الرضا آمده و از آنجا که آن کتاب در زمان مرحوم مجلسی ظاهر شده و ایشان هیچ سند و طریقی برای آن ذکر نکرده است، بنابراین، به فرض هم که

۱. «عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا قَرَعْتَ مِنْ طَوَافِكَ فَأَنْتَ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُ إِمَاماً ... الْحَدِيثُ».

۲. «عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا نُسَكُّ الَّذِي يَقْرُنُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمُرْوَةِ مِثْلَ نُسَكِّ الْمُرْدِ لَيْسَ بِأَفْضَلَ مِنْهُ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهُدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ صَلَاةٌ رُكْعَتَيْنِ خَلْفَ الْمَقَامِ ... الْحَدِيثُ».

کتاب فقه الرضا نوشته حضرت امام رضا علیه السلام باشد - که با توجه به قراین فراوان این فرض صحیح نیست - باز هم ثابت نمی شود که این کتاب همان کتاب اصلی باشد؛ زیرا نه سند معتبری دارد و نه به طور متواتر و مشهور به دست ما رسیده است. (خویی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶؛ استادی، ص ۸۷) افزون بر این، در اصل نویسنده که امام رضا علیه السلام است یا یکی از فقها، اختلاف است. با توجه به قراین متعدد می توان اثبات کرد قطعاً کتاب از امام علیه السلام نیست. بنابراین، با استناد به این روایت، که روایت بودن آن نیز محل کلام است، نمی توان نظریه تفصیل بین نماز طواف حج و عمره با نماز طواف نساء در موضوعیت داشتن مقام ابراهیم در مکان نماز طواف را اثبات کرد.

بررسی دلالت روایت:

از این روایت استفاده می شود که مکان نماز طواف حج و عمره، پشت مقام ابراهیم و مکان نماز طواف نساء، در هر نقطه ای از مسجد الحرام است (بحرانی، ج ۱۶، ص ۱۳۷).

اشکال:

اعراض مشهور فقها از این روایت - حتی در صورت صحیح بودن آن - موجب گردیده است که کسی نتواند روایات مستفیض دیگر را با این روایت مقید نماید (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۱۶) بنابراین، این نظریه با این دلیل قابل دفاع نخواهد بود.

دلیل دوم: انصراف ادله از نماز طواف نساء

ظاهر روایاتی که بر وجوب به جا آوردن نماز طواف در کنار مقام ابراهیم دلالت دارند، این است که در مقام بیان حکم نماز طواف حج و عمره هستند و از طواف نساء و نماز آن انصراف دارند. شاید به همین خاطر که اطلاق این روایات شامل نماز طواف نساء نمی شود، شیخ صدوق و پدرش قدر متیقن روایات را اخذ کرده و تنها در مورد نماز طواف نساء برای مقام ابراهیم موضوعیت قائل هستند.

اشکال:

برخی از روایات باب، ظهور در این دارند که باید مطلق نماز طواف فریضه را در کنار مقام به جا آورد و تنها نماز طواف مستحب است که مقام ابراهیم در مکان آن موضوعیت

ندارد. بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که روایات باب، از نماز طواف نساء انصراف دارند؛ زیرا در فریضه و واجب بودن نماز طواف نساء تردیدی نیست (صافی، ج ۴، ص ۷۰).

در این روایات دقت کنید:

«شایسته نیست نماز طواف واجب را به جا آوری، مگر در کنار مقام ابراهیم؛ اما نماز طواف مستحب را در هر نقطه‌ای از مسجد می‌توانی اقامه کنی.»^۱ (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۴؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۶، ح ۱).

«عبید بن زراره گوید، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که طواف فریضه را به جا آورده و دو رکعت نماز آن را فراموش کرده و سپس طواف نساء را به جا آورده و نماز آن را نیز فراموش کرده و هنوز که در ابطح (منطقه‌ای از مکه) است به یاد آورده وظیفه‌اش چیست؟ آیا آن چهار رکعت را به جا آورد؟ حضرت فرمود: باید برگردد و در کنار مقام چهار رکعت به جا آورد.»^۲ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۸؛ همو، ۱۳۹۰ق.، ج ۲، ص ۲۳۴؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۸، ح ۶).

جمع بندی ادلة خلف مقام یا کفایت طرفین

قائلین به نظریه کفایت طرفین، در جمع بین ادله و روایات معتقدند: دو دسته از روایات در مقام نفی تقدم بر مقام ابراهیم هستند؛ یعنی روایات «خلف المقام» می‌خواهند بگویند: نباید نماز طواف را در جایی به جا آورد که پشت به مقام باشد. شاید سر‌اصرار بر این مطلب این باشد که در زمان صدور این روایات بین شیعیان مشهور شده بود از آنجا که جای اصلی مقام چسبیده به کعبه بوده، می‌توان نماز طواف را نزدیک جای اصلی اقامه کرد، که در نتیجه نماز گزار پشت به مقام خواهد بود. به همین خاطر ائمه علیهم السلام برای رد این تفکر در روایات خود بر خلف مقام بودن نماز طواف تأکید کرده‌اند.

شاهد این ادعا روایات صحیحه ابن ابی محمود (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۷؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۳، ح ۱) و مضمرة محمد بن مسلم

۱. «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِ هِمَاةٍ رضي الله عنه قَالَ: لَا يُتَّبَعِي أَنْ تُصَلِّيَ رَكْعَتَي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَ أَمَّا التَّطَوُّعُ فَحَيْثُ شِئْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ».

۲. «عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ لَمْ يُصَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ حَتَّى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ طَافَ طَوَافَ النَّسَاءِ وَ لَمْ يُصَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ حَتَّى ذَكَرَ وَ هُوَ بِالْأَبْطَحِ أَيْصَلِّي أَرْبَعًا قَالَ يَرْجِعُ فَيُصَلِّي عِنْدَ الْمَقَامِ أَرْبَعًا».

(کلینی، ج ۴، ص ۴۱۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۰۸؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۳۵۰، ح ۱) است. تعبیر «حيث هو الساعة» و «فكان الحد موضع المقام اليوم» در این دو روایت برای دفع همین توهّم وارد شده است.

بنابراین، خلف مقام بودن در مقابل طرفین مقام موضوعیت ندارد و موضوعیت خلف در قبال امام (روبروی) مقام و جلوتر از آن است و اقامه نماز طواف در دو طرف مقام هم صحیح است؛ زیرا جلوتر از مقام نیست (سبحانی، ج ۴، ص ۲۲۴-۲۲۳).

اشکال:

با وجود جمع عرفی (اطلاق و تقیید)، نوبت به این جمع تبرّعی نمی‌رسد. از لحاظ قواعد اصولی در تعارض بدوی روایات، وقتی برخی از احادیث، نزد و کنار مقام ابراهیم را برای نماز طواف کافی دانسته و نسبت به خلف آن اطلاق دارند و بعضی دیگر، تنها خلف مقام را مکان نماز طواف می‌دانند، مطلق بر مقید حمل می‌شود؛ یعنی روایاتی که مطلق نزد و کنار را مطرح کرده‌اند، به خلف تقیید خورده و در نتیجه مکان نماز طواف تنها خلف مقام خواهد بود. روایاتی هم که به عنوان شاهد مطرح شد، مفید نیست؛ زیرا در خود همین روایات اصل شرطیت خلف مقام در نماز طواف توسط راوی مسلم گرفته شده و امام علیه السلام در مقام دفع این توهّم است که ملاک، موضع فعلی مقام است، نه موضع اصلی آن. پس تنافی این روایات با حمل عرفی مطلق بر مقید، جمع می‌شود و خلف مقام موضع نماز طواف خواهد بود. حتی می‌توان گفت: روایات «عند المقام» برای بیان شرطیت قرب و نزدیکی نماز گزار به مقام ابراهیم بیان شده است و گویا اصلاً در مقام بیان کفایت طرفین نیست.

نظریه دوم: عدم موضوعیت مقام

شیخ طوسی معتقد است، لازم نیست نماز طواف کنار مقام ابراهیم به جا آورده شود و نزد مقام بودن نماز طواف مستحب است؛ حتی ایشان ادعا کرده که در مورد مجزی بودن نماز طواف در غیر این موضع، اختلافی بین فقها وجود ندارد. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، خلاف، ج ۲، ص ۳۲۷، م ۱۳۹) ابوالصلاح حلبی نیز در یکی از دو قولش و در بحث صلاة

نماز طواف را در کل مسجدالحرام صحیح می‌داند (حلبی، ص ۱۵۷). البته ایشان در بحث حج، مکان نماز طواف را پشت مقام ابراهیم می‌داند (حلبی، ص ۲۱۱). از میان معاصرین نیز آیت الله نوری همدانی نماز طواف را در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام مجزی می‌داند. مرحوم آیت الله گلپایگانی هم به احتیاط واجب نماز طواف را نزد مقام می‌داند (پژوهشکده، ۱۳۹۲ش، ص ۴۴۱-۴۴۰، م ۷۷۸).

ادله قائلین به این نظریه

دلیل اول: ادعای نفی خلاف

شیخ طوسی رحمته الله علیه در مورد صحت نماز طواف در غیر مقام ابراهیم، ادعای «لا خلاف» کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، (خلاف)، ج ۲، ص ۳۲۷، م ۱۳۹).

اشکال:

برخی همچون ابن ابی عقیل، (علامه حلبی، ۱۴۱۳ق.، ج ۴، ص ۲۰۱) ابن جنید، (علامه حلبی، ۱۴۱۳ق.، ج ۴، ص ۲۰۱) شیخ صدوق، (همو، ۱۴۱۵ق.، ص ۲۸۷؛ همو، ۱۴۱۳ق.، ج ۲، ص ۵۵۱؛ همو، ۱۴۱۸ق.، ص ۲۴۸-۲۴۷) شیخ مفید (همو، ۱۴۱۳ق.، (المقنعه)، ص ۴۲۰) و سید مرتضی رحمته الله علیه (همو، ص ۱۰۹) از جمله کسانی هستند که به موضوعیت مقام ابراهیم برای مکان نماز طواف تصریح نموده‌اند. بنابراین، نمی‌توان ادعای «لاخلاف» را پذیرفت (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۱۷).

دلیل دوم: روایات

روایت اول:

«شایسته نیست دو رکعت نماز طواف واجب را به جا آوری، مگر در کنار مقام ابراهیم؛ اما نماز طواف مستحب را در هر نقطه‌ای از مسجد می‌توانی اقامه کنی.»^۱
(وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۴۲۶، ح ۱)

۱. «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: لَا يَنْبَغِي أَنْ تُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ وَأَمَّا التَّطَوُّعُ فَحَيْثُ شِئْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ».

تقریب استدلال:

واژه «لاینبغی» ظهور در کراهت دارد. بنابراین، معنای روایت چنین است که خواندن نماز طواف واجب در غیر موضع مقام کراهت دارد و کراهت هم با جواز قابل جمع است؛ پس اقامه نماز طواف در هر جای مسجد جایز است.

اشکال:

علاوه بر ضعف سند به خاطر مرسله بودن، با توجه به روایات اهل بیت علیهم السلام و فتاوی فقها، «لاینبغی» ظهور در حرمت دارد، مگر آنکه قرینه‌ای موجود باشد (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۱۷).

روایت دوم:

«از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: پدرم می گفت: اگر کسی هفت بار پیرامون این خانه طواف کند و دو رکعت نماز آن را در هر جای مسجد بخواند، خداوند برای او شش هزار حسنه می نویسد...»^۱ (حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۶، ح ۲).

روایت سوم:

«راوی گوید: دیدم امام صادق علیه السلام کعبه را طواف کرد و دو رکعت نماز میان در خانه و حجرالأسود خواند. گفتم: ندیدم کسی از اهل بیت در اینجا نماز بگزارد! فرمودند: اینجا همان مکانی است که توبه آدم علیه السلام پذیرفته شد.»^۲ (حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۶، ح ۳).

روایت چهارم:

«از امام موسی کاظم علیه السلام درباره مردی که بعد از نماز صبح طواف می کند و دو رکعت آن را خارج مسجد می خواند، سؤال کردم، حضرت فرمودند: باید در مکه بخواند و قبل از خواندن آن از شهر خارج نشود؛ مگر آنکه فراموش کند. پس هر وقت به مسجد برگشت، آن دو رکعت را (دوباره) بخواند.»^۳ (حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۷، ح ۴)

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أُسْبُوعاً وَ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي أَيِّ جَوَانِبِ الْمَسْجِدِ شَاءَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةِ الْحَدِيثِ».
۲. «قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ صَلَّى فِيهَا يَتَنَّى الْبَابِ وَالْحِجْرَ الْأَسْوَدَ رَكَعَتَيْنِ فَقُلْتُ لَهُ مَا رَأَيْتُ أَحَدًا مِنْكُمْ صَلَّى فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ هَذَا الْمَكَانُ الَّذِي تَيْبَ عَلَيْهِ آدَمُ فِيهِ».
۳. «عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بَعْدَ الْفَجْرِ فَيُصَلِّي الرَّكَعَتَيْنِ خَارِجاً مِنَ الْمَسْجِدِ قَالَ يُصَلِّي بِمَكَّةَ لَا يَخْرُجُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ يَنْسَى فَيُصَلِّي إِذَا رَجَعَ فِي الْمَسْجِدِ أَيَّ سَاعَةٍ أَحَبَّ رَكَعَتِي ذَلِكَ الطَّوَّافِ».

تقریب استدلال به این سه روایت

در روایت دوم و چهارم، امام علیه السلام نماز طواف را در هر نقطه‌ای از مسجد مشروع می‌داند و در روایت سوم خود عملاً نشان می‌دهد که می‌توان نماز طواف را در غیر از موضع مقام ابراهیم خواند. پس این روایات بر عدم موضوعیت مقام ابراهیم برای مکان طواف دلالت دارند.

اشکال:

با نگاهی به روایت دوم و سوم، به راحتی می‌توان فهمید که در خصوص طواف مستحب است، همانطور که صاحب وسایل نیز این روایات را در باب طواف مستحب نقل کرده است. علاوه بر اینکه روایت اخیر، که اقامه نماز را در خارج از مسجد و در کل شهر مکه نیز جایز شمرده، معرض عنہ اصحاب بوده و قابل استناد نیست. (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۲۰)

البته اگر دلالت این روایات برای طواف واجب پذیرفته شود، اطلاق داشته و در نتیجه نماز در هر نقطه‌ای از مسجد جایز خواهد بود؛ اما با توجه به اشکال مطرح شده نمی‌توان چنین اطلاقی را پذیرفت.

جمع بندی:

پس از نقل فتاوی فقها در مورد مکان نماز طواف و تبیین ادله و مستندات آنها، مشخص شد روایات صادره از حضرات معصوم علیهم السلام چند دسته‌اند؛ در برخی به «کل مسجد» و در مواردی به «عندالمقام» و در بعضی به «خلف المقام» اشاره شده است.

مقتضای دسته اول این است که هر جای مسجد الحرام، موضع و مکان نماز طواف باشد، بدون اینکه حیثیت جنب و کنار و یا خلف و پشت مقام ابراهیم در آن دخالت داده شود، و مقتضای دسته دوم این است که نزد مقام، موضع و مکان اتیان نماز طواف باشد، و حیثیت خلف مقام در آن دخلی نداشته باشد؛ و مقتضای دسته سوم این است که خصوصاً خلف مقام دخیل در حکم باشد. بنابراین تقابل بین این روایات، به نحو تقابل مطلق و مقید مثبت و موافق. ، البته با احراز وحدت حکم خواهد بود، که در نتیجه مطلق بر مقید حمل می‌شود؛ یعنی عرف، اطلاق ناشی از احادیث دال بر کل مسجد و نزد مقام را به سبب روایات دال بر خلف مقام، مقید می‌سازد.

اشکال اول: عدم تقابل مطلق و مقید در روایات باب

نسبت کل مسجد به نزد مقام یا خلف مقام، نسبت مقید به مطلق نیست، بلکه نسبت جزء به کل است؛ چون روشن است که با گفتن خلف مقام مثلاً مفهوم مسجد الحرام مقیده به ذهن نمی آید.

پاسخ این اشکال:

نسبت بین مسجد و نزد مقام و خلف آن چنین است، لیکن ما نسبت بین «وجوب نماز طواف در مسجد» و «وجوب نماز طواف در نزدیک یا پشت مقام» را بررسی می کنیم، که آن از قبیل نسبت مطلق به مقید است. به عبارت دیگر، مفاد روایات دال بر مسجد مثلاً این است که نماز طواف، چه در نزد مقام و چه در غیر آن، البته تا حدود مسجد، صحیح است و مفاد روایات دال بر خلف مقام، وجوب نماز تنها در پشت مقام است؛ بنابراین، تقابل به نحو مطلق و مقید است.

اشکال دوم: مفهوم نداشتن «وصف» یا «قید»

تقابل و تنافی بین مطلق و مقید در اینجا، فرع وجود مفهوم وصف و قید است، در حالی که در جای خود ثابت شده که وصف و لقب مفهوم ندارند؛ بنابراین، منافاتی بین روایات مطرح نمی شود و مقتضای قاعده اصولی اخذ معنای اعم است؛ یعنی موضع نماز طواف تمام مسجد است، هر چند که پشت مقام افضل است.

پاسخ این اشکال

در فرض وحدت حکم، تعارض و تنافی بین منطوق است؛ چون مطلق در اطلاق ظهور دارد و مقید در وجود خصوصیتی که در مطلوب دخالت دارد، ظاهر است؛ به عبارت دیگر، دلیل مقید، طبیعتاً با آن خصوصیت را واجب می داند که لازمه آن تعیین وجوب تنها در قید می باشد؛ و این با اطلاق دلیل مطلق منافات دارد. علاوه بر اینکه تقیید، دایره حکم را به موضوع دلیل مقید، محدود می سازد، نه اینکه از غیر آن نفی کند. بنابراین، بین اثبات حکم برای موضوع خاص با سکوت در غیر آن و اثبات برای آن موضوع و نفی از غیر آن، تفاوت وجود دارد، دومی همان مفهوم است، نه اولی؛ پس در فرض عدم مفهوم وصف و لقب نیز تنافی در این روایات به نظر عرف ثابت است.

اشکال سوم: عدم احراز وحدت حکم

این تنافی و معارضه، فرع احراز وحدت حکم است. دلیلی بر وحدت حکم در این مقام وجود ندارد؛ چرا که احتمال دارد اختلاف روایات به حسب مراتب فضیلت و استحباب باشد؛ یعنی مثلاً نماز طواف در خلف مقام از استحباب مؤکد و بیشتری نسبت به نماز در نزد مقام یا در هر جای مسجد برخوردار باشد. بنابراین، طبق قواعد اصولی، معنای اعم اخذ می‌شود و موضع نماز طواف، مسجد خواهد بود و مقام ابراهیم در مکان نماز موضوعیتی نخواهد داشت.

جواب از این اشکال

با نگاهی به روایات این مسأله و پرسش و پاسخهای مطرح شده در آن، عدم احراز وحدت حکم بعید است؛ چون با دقت در تمام آنها، روشن است که مقصود در همه، حکم واحدی است؛ یعنی آیا بر حاجی و عمره گزار لازم است نماز طواف در خلف مقام بخواند و یا در هر جای مسجد بخواند کافی است.

به فرض قبول عدم احراز وحدت حکم در مطلق و مقید مثبت، باید بگوییم: گاهی در دلیل مطلق احراز می‌شود که حکم به خود طبیعت تعلق گرفته و قید دیگری غیر از قید مذکور در دلیل مقید، احتمال داده نمی‌شود، در این صورت، وحدت حکم به صورت عقلی احراز شده است؛ چرا که دو اراده به مطلق و مقید تعلق گرفته و با توجه به اینکه مقید همان طبیعت با قید است، بنابراین، جعل دو حکم متمائل رخ داده و این محال است؛ پس مطلق بر مقید حمل می‌شود؛ و گاهی قید دیگری در موضوع احتمال داده می‌شود، که در این صورت یا با دست برداشتن از استقلال دلیل مطلق و حمل آن بر مقید، و یا با حفظ ظهور استقلالی و کشف قید دیگری در آن، تنافی حل می‌شود، البته از آنجا که ظهور مطلق در استقلال ضعیف می‌باشد، قید دیگری احتمال داده نمی‌شود، بنابراین در این وجه نیز مطلق بر مقید حمل می‌شود (امام خمینی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲، ص ۳۳۵).

اشکال چهارم: عدم انحصار جمع بین روایات در تقیید

به فرض احراز وحدت حکم، جمع بین این احادیث منحصر به تقیید نیست؛ چون ممکن است مقید را بر بیان افضل افراد حمل کنیم و تنافی مرتفع شود (آخوند خراسانی، ص ۲۵۰).

پاسخ این اشکال

با توجه به اینکه اطلاق از راه قرینه حکمت و به حکم عقلا ثابت می‌شود، باید با مراجعه به ایشان، محور و ملاک تمسک به اطلاق مشخص گردد؛ در جایی که حکم واحد بوده، منتها به دو گونه بیان شده، عقلا برای دلیل مطلق، استقلالی قائل نیستند تا با حفظ آن در ظهور دلیل مقید تصرف کنند؛ این روش و عملکرد به اقوایت در ظهور ارتباطی ندارد؛ همانگونه که با احراز وحدت حکم از هر راهی که باشد (چه از راه وحدت سبب و چه از سایر قرائن حالیه و مقالیه) (شیخ عبدالکریم حائری، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۴) چنین است. اگر عقلا مطلق را بر مقید حمل می‌کنند، به خاطر این است که در اینگونه موارد، برای «اصالة الاطلاق» دلالت و نقشی قائل نیستند؛ به عبارت دیگر، وقتی مولا در یکی از کلام‌هایش، نماز طواف را در کل مسجد و در کلام دیگرش در نزد مقام و در کلام سومش پشت مقام مشروع می‌داند، عقلا در مواجهه با این کلمات و با فرض وحدت حکم، مطلق را بر مقید حمل می‌کنند، چون دلیل بودن «اصالة الاطلاق» نسبت به دلیل مطلق را در جایی تمام می‌دانند که در برابرش دلیل مقیدی نباشد.

علاوه بر اینکه، قرینه قرار دادن مطلق در حمل مقید، بر خلاف ظاهر، در محیط قانونگذاری شناخته شده نیست؛ چرا که آنچه در محیط تشریح در نزد عرف متشرعه شناخته شده، حمل مطلق بر مقید است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲، ص ۳۳۴).

اشکال بر جواب

اگر حفظ ظاهر مطلق و تصرف در دلیل مقید و حمل آن بر افضل افراد، در عقلا و عرف متعارف و شناخته شده نیست؛ پس چرا مشهور فقها در باب مستحبات، نسبت به مطلق و مقید مثبت و موافق، اینگونه جمع کرده و مطلق را بر مقید حمل نمی‌کنند، بنابراین نمی‌توان جمع عرفی را در حمل مطلق بر مقید منحصر دانست (آخوند خراسانی، ص ۲۵۱).

جواب از این اشکال

در کلمات اصولی‌ها، نسبت به این اشکال، جواب‌هایی ارائه شده و هر کدام در جهت توجیه تفاوت مستحبات و واجبات در حمل یا عدم حمل مطلق بر مقید، مطالبی را بیان نموده‌اند:

۱. از آنجا که غالباً در باب مستحبات، افراد مطلق به حسب مراتبِ محبوبیت، تفاوت می‌کنند، بنابراین، مقید بر افضل افراد و تأکد در استحباب حمل می‌شود (آخوند خراسانی، ص ۲۵۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷ش. ، ج ۹، ص ۱۴۷).
 ۲. مقید مستحب و ترک آن جایز است، بلکه ترک طبیعت در دلیل مطلق نیز جایز می‌باشد؛ بنابراین، عرف میان مطلق و مقید تنافی نمی‌بیند تا مطلق را بر مقید حمل کند (نائینی، ج ۱، ص ۵۸۵؛ خویی، ۱۴۱۹ق. ، ج ۲، ص ۳۴۸).
 ۳. اطلاق یا عموم اخبار «من بلغ» دلیل مطلق را شامل و عنوان بلوغ ثواب بر آن صدق می‌کند. بنابراین، مطلق، نه به خاطر خودش، بلکه از باب تسامح در ادله سنن و بلوغ ثواب بر آن، مستحب است؛ پس مطلق بر ظاهر خود باقی و مقید بر تأکد استحباب حمل می‌شود (آخوند خراسانی، ص ۲۵۱).
- از آنجا که جواب اول دور بوده (ابوالحسن مشکینی، ۱۴۱۳ق. ، ج ۲، ص ۵۱۱) و ظن حاصل از غلبه در آن معتبر نبوده (مروج، ۱۴۱۵ق. ، ج ۳، ص ۷۵۱) و جواب دوم مستلزم محال است؛ چرا که مقید همان طبیعت با قید است و اجتماع دو حکم مماثل رخ داده و محال است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق. ، ج ۲، ص ۳۳۵) و در جواب سوم، با فرض تمامیت دلالتی، اصولاً دلیل مطلق بعد از ورود دلیل مقید در عرف به مثل قید متصل بوده و دلیل تسامح بر آن صدق نمی‌کند (ایروانی، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۳۱۷). بنابراین، باید بگوییم: جواب‌های فوق نمی‌تواند فرق بین مستحبات را در عدم حمل مطلق بر مقید نسبت به واجبات، توجیه نماید.
- اما آنچه مهم است، همان احراز وحدت حکم است؛ اگر عرف و عقلاً تکلیف را در مطلق و مقید، واحد و یکی دانستند، بدون شک مطلق را بر مقید حمل می‌کنند و - به بیانی که در جواب اشکال چهارم گذشت - فرقی بین واجبات و مستحبات در این مسأله نیست؛ البته اینکه در باب مستحبات این حمل کمتر اتفاق می‌افتد، به خاطر این است که در آن موارد - با توجه به قرائن داخلی مثل ذکر سبب، و خارجی مثل قرائن حالیه و مقالیه - وحدت حکم احراز نمی‌شود، حتی در برخی از موارد، تعدد آن محرز می‌شود. بنابراین، جمع عرفی بین احادیث باب، تنها از راه حمل مطلق بر مقید امکان‌پذیر است؛ یعنی روایاتی که مطلق مسجد و یا نزد و کنار مقام را مطرح کرده‌اند، به خلف مقام تقیید خورده و مکان نماز طواف تنها خلف مقام خواهد بود.

مبحث دوم: نقش جایجایی مقام بر نماز طواف

از مسائل بسیار مهم و کاربردی، که می‌تواند از امور مستحدثه مقام ابراهیم به شمار آید، تغییر مکان مقام ابراهیم و تأثیر آن بر مکان نماز طواف واجب است؛ یعنی بعد از اینکه در مبحث قبل ثابت شد که یکی از شروط نماز طواف واجب، اتیان و انجام آن، پشت مقام است؛ چنانکه با توجه به بازسازی‌های گسترده دولت سعودی نسبت به مسجد الحرام، موضع مقام جابجا شود، فارغ از جواز یا عدم جواز تغییر موضع آن، جایگاه نماز طواف کجاست؟ و وظیفه حاجی و معتمر چیست؟ آیا مقام ابراهیم و آن صخره، موضوعیتی برای نماز دارد؟ به طوری که اگر مقام به هر نقطه‌ای از مسجد منتقل شد، بایست نماز طواف نیز پشت آن و در موضع جدید مقام خوانده شود؟

در پاسخ به این پرسش، باید ابتدا پیشینه این فرض و مسأله فقهی مبتنی بر آن، در کلمات فقهای گذشته جستجو شود؛ تا در ادامه با تبیین ابعاد مختلف آن، بتوان به بیان ادله و حکم مسأله نایل شد.

اقوال فقها و محققان

پس از جستجوی فراوان، معلوم شد نخستین کسی که به فرض تغییر مکان مقام ابراهیم اشاره کرده، فاضل هندی رحمته الله علیه است.

ایشان در تعیین موضع نماز طواف، وقتی کلام برخی از قائلین به کفایت تمام مسجد را بیان می‌کند، به نفع این دسته استدلال کرده، می‌نویسد:

«وقتی قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ (بقره: ۱۲۵)، این به معنای قرب مقام است و از آن جا که تمام مسجد قرب مقام محسوب می‌شود، نماز نماز در کل مسجد جایز است و اگر گفته شود که باید اقرب المقامات را انتخاب کرد، لازمه‌اش این است که اگر مقام را جابجا کنند، هر جا که مقام منتقل شود، باید به دنبال آن رفت و نماز طواف را همانجا اقامه کرد و این چیزی است که کسی به آن قائل نشده است؛ «كَلِمًا نَقَلَ إِلَى مَكَانٍ وَجِبَتِ الصَّلَاةُ فِيهِ، وَلَعَلَّهُ لَا قَائِلَ بِهِ» (فاضل هندی، ج ۵، ص ۴۴۶).

صاحب جواهر رحمته الله علیه بعد از نقل این کلام، آورده است:

«شاید بتوان قائل نداشتن و مخالفت نکردن فقها را نپذیرفت، (و اگر هم پذیرفته شود)

و کسی این فرع را متذکر نشده باشد، از باب این است که مسئله را مطرح نکرده است» (نجفی، ج ۱۹، ص ۳۱۷).

این کلام به خوبی تمایل صاحب جواهر^{رحمته} به حکم مسئله را نشان می‌دهد؛ بدین معنا که اگر اطلاق آیه پذیرفته شود و مقام جابجا گردد، نماز هم باید جابجا شده و پشت موضع جدید خوانده شود و اگر این لازمه، قائل ندارد، به خاطر این است که تا به حال مطرح نشده است. به هر حال، پس از جستجوی زیاد، از میان فقهای متقدم تا دوران معاصر، کلامی یافت نشد جز حکایتی که نشان می‌دهد، امام خمینی^{رحمته} معتقد است با جابجایی مقام ابراهیم، نماز باید نزد آن، در موضع جدید خوانده شود.

محمد ابراهیم جنّاتی در خصوص نظریه امام خمینی^{رحمته} در این باره چنین حکایت می‌کند: در حوالی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ ق.، درباره انتقال مقام به نقطه دیگر مسجد الحرام، بحث‌های زیادی میان علمای اهل سنت صورت گرفت. ابتدا قرار بود مقام به مقصوره‌ای که در نزدیکی باب بنی شیبه ساخته شد، منتقل شود؛ اما به دلیل مخالفت عمومی علمای اسلامی در سایر نقاط با این اقدام و تأکید بر ابقای آن در محل قبلی - والته در مقصوره فلزی موجود - دولت سعودی پذیرفت آن را در بنای کوچکتری که امروزه موجود است، قرار دهد.

در این زمان، در نجف اشرف معروف شد که جایگاه مقام حضرت ابراهیم را در مسجد الحرام تغییر و آن را به نزدیک چاه زمزم انتقال داده‌اند، لیکن واقعیت چنین نبود و تنها پوشش مقام حضرت ابراهیم را برداشته و آن را به پوشش بلورین امروزی تغییر داده بودند. به همین خاطر علمای امامیه از باب ورود در مسائل مستحدثه و در پاسخ استفتاءاتی که در این زمینه شد، حکم مسأله را بیان کردند؛ متن استفتا این بود: «آیا دو رکعت نماز طواف را باید در جای اولی که مقام حضرت ابراهیم قرار داشت خواند و یا در جای دوم که مقام حضرت در آنجا (بر حسب شایعه) قرار داده شده است؟»

برخی پاسخ دادند:

«باید احتیاط شود و نماز را، هم در جای اول که مقام قرار داشت و هم در جای دوم که شایع شده است اقامه کرد.»

برخی دیگر از مراجع اینگونه پاسخ داده‌اند:

«باید دو رکعت نماز طواف را در همان جای اول که مقام ابراهیم قرار داشت اقامه کنند؛ چرا که مقام اسم مکان است.»

اما امام خمینی علیه السلام در پاسخ به این استفتاء نوشته‌اند:

«باید دو رکعت نماز طواف در جای دوم که مقام ابراهیم قرار گرفته اقامه شود.»

همچنین فرموده‌اند:

«مقام اسم جایگاه سنگ نیست، بلکه عنوان خود سنگ است که حضرت ابراهیم بر آن قرار می‌گرفت.» (فراہانی، بی تا، ص ۶۵-۶۴؛ ر.ک: استفتاءات ۱۰ جلدی امام خمینی).
از دیگر کسانی که این فرع فقهی را مطرح و حکم آن را متذکر شده اند، آیت الله مکارم شیرازی است، ایشان در نظر اخیر خود بر این عقیده‌اند که اگر مقام ابراهیم در داخل مسجد جابجا شود، نماز طواف باید در محل جدید، پشت مقام خوانده شود (مکارم شیرازی، مناسک، ص ۲۳۷، م ۷۹۶).

برخی از محققان؛ استاد علی عندلیب همدانی، در کلامی وسیع تر معتقدند؛ چنانچه مقام ابراهیم به خارج مسجد هم منتقل شود، نماز باید در پشت آن، در موضع جدید، خوانده شود، مگر آنکه عسر و حرجی در میان باشد.

برای روشن شدن هرچه بیشتر و تفصیل مطلب، بایستی ذیل فروض مختلف تغییر مکان مقام ابراهیم، حکم هر یک از فروض بیان گردد:

حکم نماز طواف در فروض مختلف تغییر موضع مقام

فرض اول: حکم نماز طواف در صورت جابجایی مقام به موضع اصلی

شک نیست که در صورت جابجایی مقام و برگرداندن آن به موضع اصلی؛ یعنی کنار در کعبه و نزدیک رکن حجرالأسود، نماز طواف پشت آن واجب است و قدر متیقن از آیه شریفه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ﴾ (بقره: ۱۲۵) همین است؛ چون در زمان نزول آیه شریفه، مقام ابراهیم در همین موضع بوده است. بنابراین، نماز در خلف آن، در موضع جدید که همان جایگاه مقام در عهد پیامبر صلی الله علیه و آله است، بدون خدشه و اشکال است.

از امام رضا علیه السلام در صحیح ابن ابی محمود آمده است که نماز طواف تنها خلف مقام و در موضع فعلی آن واجب است و نه در موضعی که در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله در آن قرار داشت (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۳). این بیان هیچ ربطی به فرض مذکور ما ندارد و چنین نیست که کسی بگوید به حکم این روایت باید نماز را در جای فعلی مقام ابراهیم اقامه کرد؛ زیرا در این روایت، امام علیه السلام موضعی که مقام در آنجا قرار داشت را ملاک عمل قرار داده است و نه موضعی که قبلاً و در پیامبر صلی الله علیه و آله در آنجا بود. در حالی که قضیه در فرض ما به عکس است، فرض ما این است که مقام ابراهیم به همان مکان قبلی خود در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله برگردد، بنابراین، مقتضای روایت این است که نماز طواف دایره مدار موضع مقام ابراهیم است و هر جا مقام باشد نماز خلف آن واجب خواهد بود.

به مدلول روایت دقت کنید: امام علیه السلام نماز در مکان قبلی مقام را مجزی نمی‌داند و به نماز طواف در مکان فعلی آن امر می‌کند، با اینکه ائمه علیهم السلام در روایات دیگر از جابجایی مقام مکثر شده و ابراز نارضایتی کرده‌اند، (کلینی، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱؛ و سلیم بن قیس هلالی، ج ۲، ص ۶۷۵). بنابراین، روشن است که ملاک، مکان و موضع مقام است. بنابراین، وقتی فرض شود که مقام به مکان قبلی خود در کنار کعبه برگردد، نماز طواف نیز باید خلف آن و در موضع جدید خوانده شود.

فرض دوم: حکم نماز طواف در صورت جابجایی مقام به موضع دیگری از مسجدالحرام با نگاهی به ادله و احادیثی که حکم نماز طواف را خلف یا نزد مقام ابراهیم معرفی کرده‌اند، به دست می‌آید که ادله اطلاق داشته و صورت جابجایی مقام به موضع دیگر را هم شامل می‌شود؛ مقتضای اطلاق و شمول، اتیان نماز طواف خلف یا عند مقام در موضع جدید آن در مسجدالحرام است.

در ادامه به ادله و تقریب اطلاق از آن اشاره می‌شود:

۱. اطلاق آیه شریفه ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّیً﴾

الف) برخی از احادیث نشان می‌دهند که آیه شریفه در مقام بیان کیفیت نماز طواف، اطلاق دارد؛ البته این اطلاق با توجه به برخی روایات، به خلف و پشت مقام ابراهیم تقیید خورده است، ولی اطلاق آن در جوانب دیگر؛ از جمله جابجایی مقام و کیفیت نماز در نزد آن باقی است.

نمونه‌ای از این احادیث چنین است:

«همه باید دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام به جا آورند؛ چرا که خداوند متعال می فرماید: از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید؛ پس اگر در غیر از این موضع به جا آوردی، باید آن را اعاده کنی.»^۱ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۷؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۵، ح ۱).

«راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وظیفه کسی که فراموش کرده و نماز طواف را در حجر (اسماعیل) به جا آورده، چیست؟ حضرت فرمود: باید آن را پشت مقام ابراهیم اعاده کند؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»؛ مقصود خداوند متعال از این آیه دو رکعت نماز طواف واجب است.»^۲ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۸؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۲۵، ح ۲).

«راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که فراموش کرده دو رکعت نماز طواف حج و عمره را نزد مقام ابراهیم به جا آورد وظیفه اش چیست؟ حضرت فرمود: اگر در مکه بود، دو رکعت را نزد مقام ابراهیم به جا آورد؛ چرا که خداوند می فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»؛ اما اگر از مکه خارج شده است، دیگر به او دستور نمی‌دهم که برگردد.»^۳ (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۵؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۳۹؛ همو، ۱۳۹۰ق.، ج ۲، ص ۲۳۵؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۳۱، ح ۱۶).

از ابن مسکان نقل شده که می گوید (به صورت اضممار) اگر از میقات سرزمین خودش گذشته، برگردد و نماز طواف را نزد مقام بخواند، که خداوند در قرآن فرمودند: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.»^۴ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق.، ج ۵، ص ۱۴۰).

۱. «عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُصَلِّيَ رُكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا خَلْفَ الْمَقَامِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ فَإِنْ صَلَّيْتَهَا فِي غَيْرِهِ فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ».

۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْأَبْرَارِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَصَلَّى رُكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ فِي الْحِجْرِ قَالَ يُعِيدُهُمَا خَلْفَ الْمَقَامِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ عَنِّي بِذَلِكَ رُكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ».

۳. «عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فِي طَوَافِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَقَالَ إِنْ كَانَ بِالْبَلَدِ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - يَقُولُ ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ وَإِنْ كَانَ قَدِ انْحَلَّ فَلَا أَمْرَ أَنْ يَرْجِعَ».

۴. «عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ قَالَ: إِنْ كَانَ جَاوَزَ مِيقَاتَ أَهْلِ أَرْضِهِ فَلَبَّرْ جَعَّ وَ لِيُصَلِّهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾».

«از امام صادق علیه السلام پرسیدند: کسی که طواف واجب انجام می‌دهد و فراموش می‌کند که دو رکعت نماز (طواف) را نزد مقام ابراهیم به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟ حضرت فرمودند: آن را (نزد مقام) به جا آورد، هر چند، چند روز گذشته باشد؛ خداوند متعال می‌فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.»^۱ (طبرسی، ج ۱، ص ۳۸۳؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۳۲، ح ۱۹).

هرچند روایت دوم تا پنجم از جهت سندی معتبر نیستند، ولی روایت اول علی‌رغم ارسال، معتبر است؛ چون صفوان بن یحیی از جمله کسانی است که شیخ طوسی رحمته الله علیه شهادت می‌دهد که مرسلاتشان حجت است و تنها از ثقات روایت نقل می‌کنند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷ق.، ج ۲، ص ۱۵۴).

تقریب استدلال به اطلاق آیه

به جهت تقریب بهتر، می‌بایست چند مقدمه مطرح شود که این مقدمات قبلاً در مقدمه مقاله تبیین و اثبات گردید:

اول؛ مقام ابراهیم همان صخره‌ای است که امروزه در مقصوره‌ای کوچک در فاصله حدود سیزده متری کعبه معظمه قرار دارد.

دوم؛ مقام ابراهیم در عهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در کنار کعبه شریف بوده و این وضعیت ادامه داشت، تا زمانی که عمر آن را به موضع فعلی آن منتقل کرد.

سوم؛ ائمه علیهم السلام از این انتقال ابراز نارضایتی کرده‌اند.

با عنایت و توجه به این سه مقدمه تقریب، اطلاق آیه شریفه چنین است:

با دقت در این روایات، ائمه علیهم السلام در پاسخ به سؤالات مطرح شده، به آیه شریفه استناد می‌کنند و با اینکه مقام در موضعی است که عمر آن را جابجا نموده و به مکان فعلی آن منتقل کرده است، به اصحاب خود کیفیت استناد به آیه را برای دستیابی به حکم شرعی مسئله نشان می‌دهند. این استناد در موارد مختلفی صورت می‌گیرد؛ گاهی در مورد

۱. «الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّيْرِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْقَرِيبَةِ وَ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ يُصَلِّيهِمَا وَ لَوْ بَعْدَ أَيَّامٍ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ ﴿وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾».

نسیان نماز طواف و گاه در مورد جهل در مورد مکان نماز طواف؛ و زمانی هم در مورد اشتباه در مصداق مکان نماز.

بنابراین، وقتی ائمه علیهم السلام به این آیه شریفه - که زمان نزولش، مقام در موضع اصلی و کنار کعبه قرار داشته - استناد می کنند و به اصحاب و یاران خود امر می کنند که نماز باید خلف مقام، در موضع فعلی آن خوانده شود، این نشان از اطلاق آیه شریفه در خصوص جابجایی مقام ابراهیم به موضع دیگر است.

به عبارت دیگر، امام علیه السلام به خلف موضع فعلی مقام اشاره می کند، ولی به آیه ای استناد می کند که در هنگام نزول آن، مقام در موضع دیگری قرار داشته است. پس آیه شریفه نسبت به جابجایی مقام و نقل آن به موضع دیگر، هر چند آن موضع مورد رضایت اهل بیت علیهم السلام هم نباشد، اطلاق دارد.

پس به مقتضای این اطلاق، چنانچه مقام ابراهیم جابجا شود، نماز طواف واجب باید در خلف آن، در موضع جدید خوانده شود.

اشکال:

برخی معتقدند آیه اطلاق ندارد و امام علیه السلام در روایت اول، در مقام دفع توهم اتیان نماز طواف در سایر مواضع مسجد به آیه استناد کرده، و در بقیه روایات حیثیتی که در آن منظور شده، نسیان است. بنابراین آیه شریفه اطلاق از جهت جابجایی مقام ابراهیم و نماز آن ندارد.

جواب از اشکال

با دقت در تقریب فوق، این اشکال ناتمام است. آیه شریفه زمانی نازل می شود که مقام ابراهیم در موضع اصلی خود در کنار کعبه است. وقتی مقام توسط عمر جابجا می شود، حضرات معصومین علیهم السلام نارضایتی خود را از این عمل ابراز می کنند، ولی زمانی که اصحاب از موضع نماز طواف می پرسند؛ در صورت جهل، نسیان یا اشتباه، ائمه علیهم السلام به آیه شریفه استناد نموده و آنها را به اقامه نماز خلف موضع فعلی مقام امر می کنند، خود این نشان دهنده اطلاق آیه نسبت به جابجایی مقام و نماز طواف نسبت به آن است.

چگونه ممکن است اهل بیت علیهم السلام در این روایات به آیه شریفه استناد کنند و اصحاب خود را به موضع فعلی مقام رهنمون سازند، در حالی که آیه وقتی نازل شده که مقام در موضع اصلی خود قرار داشته است! آیا این استناد نشان از اطلاق آیه نسبت به جابجایی مقام نیست؟ آیا نشان نمی‌دهد که وقتی مقام جابجا شد، باز هم می‌توان به آیه استناد کرد و محل نماز طواف را در موضع جدید مقام و خلف آن دانست؟

اصولاً این اطلاق‌گیری از آیه شریفه توسط برخی از اصحاب و یاران ائمه علیهم السلام مورد توجه قرار گرفته است؛ به طوری که با استناد به آن، بر وجوب نماز طواف در خلف مقام استدلال کرده‌اند و این عمل در منظر و مرآی امام علیه السلام بوده و با تقریر ایشان مواجهه شده است و تقریر امام علیه السلام هم به این اطلاق‌گیری حجیت می‌بخشد.

در این حدیث دقت کنید:

«ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: وظیفه کسی که فراموش کرده دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام به جا آورد و از مکه خارج شده چیست، با اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید»؟ حضرت فرمود: اگر از مکه خارج شده، دیگر بر او سخت نمی‌گیرم و به او دستور نمی‌دهم که برگردد؛ ولی هر جا که یادش می‌افتد نماز را به جا آورد.»^۱ (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۰؛ همو، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۲۳۶؛ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۴۳۰، ح ۱۰).

ابوبصیر در این حدیث، که از جهت سند صحیح است، برای اتیان نماز طواف در خلف مقام ابراهیم، در موضعی که در زمان صدور روایت در آن قرار داشته، به آیه شریفه استدلال می‌کند، در حالی که هنگام نزول آیه، مقام کنار کعبه بوده است. پس مشخص می‌شود ابوبصیر از این آیه شریفه استظهار اطلاق کرده و این استظهار مورد تقریر امام علیه السلام هم واقع می‌شود و امام علیه السلام کلامی در رد این استناد ابوبصیر مطرح نمی‌کند، (پژوهشکده، بی تا، علی عندلیب، ش ۳۵، ص ۱۸۶).

۱. «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يُعْنِي الْمُرَادِيَّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكَعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ﴿وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى﴾ حَتَّىٰ اذْخَلَ قَالَ إِنْ كَانَ اذْخَلَ فَإِنِّي لَا أُشَقُّ عَلَيْهِ وَلَا أَمْرُهُ أَنْ يَرْجِعَ وَلَكِنْ يُصَلِّي حَيْثُ يَذْكُرُ».

بنابراین، آیه شریفه اطلاق دارد و مقتضای آن چنین است که اگر مقام ابراهیم جایجا شود، نماز باید پشت آن و در موضع جدید خوانده شود.

۲. اطلاق روایات امر کننده به ادای نماز طواف در خلف مقام

در برخی روایات، ائمه علیهم السلام بر اتیان نماز طواف خلف یا عند مقام به نحو مطلق امر کرده‌اند:

* «صحيح معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: على المتمتع بالعمرة إلى الحج ثلاثة أطواف بالبيت وسعيان بين الصفا والمروة وعليه إذا قدم مكة طواف بالبيت وركعتان عند مقام إبراهيم وسعي بين الصفا والمروة ثم يقصر - وقد أحل هذا للعمرة وعليه للحج طوافان وسعي بين الصفا والمروة ويصلي عند كل طواف بالبيت ركعتين عند مقام إبراهيم» (كليني، ج ۴، ص ۲۹۵؛ شيخ طوسي، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۵؛ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۲۰، ح ۸).

* «صحيح الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إنما نسك الذي يقرب بين الصفا والمروة مثل نسك المفرد ليس بأفضل منه إلا بسباق الهدي وعليه طواف بالبيت وصلاة ركعتين خلف المقام... الحديث» (شيخ طوسي، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۲؛ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۱۸، ح ۶).

* «صحيح معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: المفرد (للحج) عليه طواف بالبيت وركعتان عند مقام إبراهيم وسعي بين الصفا والمروة وطواف الزيارة وهو طواف النساء» (كليني، ج ۴، ص ۲۹۸؛ شيخ طوسي، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۴؛ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۲۲۱، ح ۱۳).

تقریب استدلال

در این روایات، نماز طواف نزد مقام، به نحو مطلق، واجب شده است و واضح است اتیان نماز در نزد و خلف مقام ابراهیم به نحو قضیه خارجی نیست تا نماز طواف تنها در موضعی که در زمان صدور روایات قرار داشته واجب باشد؛ بلکه به نحو قضیه حقیقی است و وظیفه حاجی و معتمر در هر زمانی ایجاب می‌کند که خلف یا عند مقام نماز را اقامه کند و مختص حاجیان دوران صدور روایت نیست. بنابراین، چنانچه امروزه مقام

ابراهیم جابجا شود، اطلاق این روایات اقتضا می‌کند که نماز طواف در خلف مقام در موضع جدید خوانده شود، (پژوهشکده، بی تا، علی‌عندلیب، ش ۳۵، ص ۱۸۶).

اشکال:

هرچند این روایات از جهت شمولیت بر زن و مرد، عاجز و توانا و... اطلاق دارد، ولی از جهت جابجایی مقام به موضع دیگر و اتیان نماز خلف آن، اطلاق ندارد؛ چون می‌بایست احراز شود متکلم در مقام بیان از این جهت هم بوده است و اینکه از سایر جهات در مقام بیان بوده کفایت نمی‌کند.

پس اینکه گفته می‌شود قضیه حقیقی است و نه خارجی؛ مراد این است که مخاطب تنها شخص خاص معین در خارج، در همان زمان صدور روایت نیست، بلکه هرکسی که در تمام زمانها، بر او عنوان بالغ و عاقل و سایر قیود معتبر در تکلیف صدق کند، تکلیف شامل او هم می‌شود و چنین نیست که حقیقی بودن قضایا و کلمات امام علیه السلام در تبیین حکم نماز طواف در صورت جابجایی دخالتی داشته باشد.

علاوه براینکه ائمه علیهم السلام در این روایات در صدد تبیین این نکته‌اند که نماز طواف در سایر نقاط مسجدالحرام صحیح نیست، آنگونه که در نزد اهل سنت چنین است؛ بنابراین کلامشان اطلاق ندارد به نحوی که اگر مقام جابجا شود نماز خلف آن خوانده شود! (پژوهشکده، بی تا، قائمی، ش ۳۸، ص ۹۲ - ۱۸۹).

جواب از اشکال

با دقت در روایات و تقریبی که در استدلال به اطلاق آیه بیان شد، مشخص می‌شود این اشکال وارد نیست. هنگامی که مقام ابراهیم از موضع اصلی آن و از کنار کعبه جابجا شده و در زمان صدور روایات در موضع دیگری قرار گرفته است و با اینکه ائمه علیهم السلام نسبت به این انتقال ناراضی بوده‌اند و آن را ابراز می‌کنند، ولی در روایات فوق، وقتی اعمال حج تمتع و قران و افراد را تبیین و تشریح می‌کنند و به اصحاب خود امر می‌کنند که نماز را خلف یا نزد مقام اقامه کنند و روشن است که امر به اتیان نماز در موضع و مکان مقام ابراهیم در زمان صدور روایت؛ یعنی پس از جابجایی عمر مراد است، پس

امر به اتیان نماز، خلف یا نزد مقام، در این روایات اطلاق دارد و مقتضای آن این است که اقامه نماز طواف در خلف یا نزد مقام در موضع جدید آن، در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام که باشد واجب است و اینکه گفته می‌شود قضیه حقیقه است و نه خارجی، مراد این است که وقتی مکلفین زمان صدور روایت تکلیف داشتند در همان موضع انتقالی عُمر، نماز طواف را به جا آورند، با اینکه موضع اصلی آن در زمان پیامبر خدا ﷺ و زمان نزول آیه شریفه در کنار کعبه بوده است و ائمه علیهم‌السلام از این انتقال راضی نبوده‌اند، پس مکلفین در دوران حاضر نیز تکلیف دارند در نزد مقام ابراهیم نماز طواف را به جا آورند، و اگر دولت سعودی و تولیت حرمین شریفین به جابجایی مقام ابراهیم تصمیم بگیرد و این عمل مورد رضایت معصومین علیهم‌السلام هم نباشد، مکلفین این دوران باید خلف مقام در موضع جدید آن، در هر جای مسجدالحرام که باشد، نماز طواف را اقامه کنند.

بنابراین، اگر ائمه علیهم‌السلام در این روایات در صدد تبیین این نکته باشند که نماز طواف در سائر نقاط مسجدالحرام صحیح نیست، همان گونه که در نزد اهل سنت چنین است، باز هم به اطلاق آنها از جهت انتقال مقام به موضع دیگر خللی وارد نمی‌کند.

نتیجه آنکه، به مقتضای اطلاق آیه و روایات، مکان مقام ابراهیم برای نماز طواف موضوعیت دارد؛ یعنی مقام ابراهیم هر جا که باشد نماز طواف باید خلف آن در موضع جدیدش خوانده شود.

البته برخی بر این باورند که هر چند موضع فعلی مقام توسط معصوم انتخاب نشده، اما چون به موازات و محاذات موضع اصلی آن، که در کنار کعبه بوده، ائمه علیهم‌السلام اقامه نماز پشت آن را صحیح دانسته‌اند؛ زیرا در پشت جایگاه اصلی مقام واقع می‌شود؛ به عبارت دیگر، محاذات موضع مقام در زمان صدور روایات، با موضع اول آن، در عهد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حکم نماز طواف مدخلیت دارد و چه بسا امر در روایات به خلف مقام در موضع دوم آن، از باب محاذات با موضع اصلی مقام در کنار کعبه است. بنابراین، تنها در صورتی که مقام در همین ضلع کعبه جابجا شود، می‌توان برای مقام، موضوعیت قائل شد و خلف آن نماز گزارد، چون خلف موضع اصلی بر آن صدق می‌کند و فاصله ضرری نمی‌رساند، اما اگر به اضلاع دیگر کعبه منتقل شود، دیگر مقام موضوعیتی در مکان نماز طواف نخواهد

داشت و اقامه نماز طواف در هر نقطه‌ای از مسجد کافی است. (پژوهشکده، بی تا، قائنی، ش ۳۸، ص ۸۹)

ایشان در موضع دیگر می‌گویند: چه بسا همین فاصله بین موضع اول و دوم مقام، در حکم نماز طواف مدخلیت دارد، پس حتی در صورت انتقال مقام در جهت محاذای با موضع قبلی کمی عقب تر، نمی‌توان خلف موضع جدید مقام نماز طواف خواند. (قائنی، ۱۴۲۹ق.، ج ۲، ص ۱۱۲)

این احتمال ناشی از این است که ظاهراً ایشان برای موضع زمان ائمه علیهم‌السلام هم خصوصیت قائل بوده و معتقد است ائمه علیهم‌السلام تنها همین موضع دوم، که توسط عمر انتخاب شده را تأیید کرده‌اند و صحت نماز طواف در کنار مقام در صورت انتقال به نقطه سوم، حتی اگر در محاذی موضع فعلی مقام باشد، دلیل می‌خواهد؛ اما همانطور که قبلاً به طور مفصل بیان کردیم: ابراز نارضایتی ائمه علیهم‌السلام از انتقال مقام به موضع فعلی و استدلال ایشان به آیه شریفه و اطلاق مستفاد از آن، این توهم را دفع می‌کند.

بنابراین، اطلاق آیه و روایات بر موضوعیت صخره برای نماز طواف دلالت دارند، و مقتضای آن، تغییر مکان نماز طواف به جابجایی صخره است؛ یعنی اگر مقام به نقطه دیگری منتقل شود، نماز طواف باید خلف آن در همان موضع جدید اقامه شود.

فرض سوم: حکم نماز طواف در صورت جابجایی مقام به موضعی خارج از مسجدالحرام آنچه از اطلاق آیه و روایات که تقریب استدلال و جواب اشکالات آن گذشت، به دست می‌آید این است که نماز طواف باید خلف مقام خوانده شود، حال مقام داخل مسجد باشد یا خارج آن. البته اگر رسیدن به مقام در خارج مسجدالحرام حرجی باشد، اتیان نماز خلف مقام در موضع جدید آن، واجب نخواهد بود و در هر جای مسجدالحرام خوانده می‌شود. چون در اسلام هرگونه حکم حرجی نفی شده است و این امر در روایات همین باب هم به چشم می‌خورد. (حمیری، ص ۹۷)

ممکن است گفته شود به حکم برخی روایات، نماز طواف مستحب به داخل مسجد مشروط شده است، (کلینی، ج ۴، ص ۴۲۴، ح ۸) پس به دلالت اولویت نماز طواف واجب

باید داخل مسجد خوانده شود، و اصولاً یکی از مرتکزات مسلمانان اتیان نماز طواف واجب در داخل مسجد الحرام است و این ارتکاز از وجود حکم شرعی شرطیت مسجد برای نماز طواف حکایت دارد.

البته فارغ از ضعف احادیثی (حمیری، ص ۲۱۲، ح ۸۳۲؛ کلینی، ج ۴، ص ۴۲۴، ح ۸) که بر شرطیت مسجد برای نماز طواف مستحب دلالت دارد، شرطیت خلف مقام در نماز طواف واجب و عدم آن در نماز طواف مستحب، باعث می‌شود که نتوان به اولویت شرط مسجد در نماز طواف مستحب برای شرط مسجد در نماز طواف واجب استناد کرد و اصولاً ارتکاز مسلمانان به جهت آن است که تا به امروز مقام ابراهیم در داخل مسجد بوده است. پس نمی‌توان ارتکاز شرط مسجد را به عنوان شرط مستغنی در قبال شرط خلفیت مقام پذیرفت.

بنابراین، آنچه واجب است تنها شرط خلفیت مقام برای نماز طواف واجب است. پس چنانچه مقام به خارج مسجد، مثلاً شعب ابی طالب علیهم السلام منتقل شود، نماز طواف خلف آن در موضع جدید خوانده می‌شود، بلکه چنانچه حرجی لازم آید، این حکم نفی و در هر جای مسجد یا خارج آن خوانده می‌شود. (پژوهشکده، بی تا، علی عندلیب، ش ۳۵، ص ۱۸۶)

نتیجه:

در این مقاله به ارتباط مقام ابراهیم با نماز طواف پرداخته شد و نقش این صخره مقدس در نماز طواف بیان گردید. در مبحث اول ثابت شد که با توجه به روایات متعدد و به مقتضای جمع عرفی بین آنها، موضع فعلی مقام ابراهیم در موضع نماز طواف موضوعیت داشته و نماز طواف واجب، تنها پشت صخره مقام صحیح است و در مبحث دوم تأثیر جابجایی مقام بر موضع نماز طواف مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که با توجه به اطلاق روایات، خود صخره مقام موضوعیت داشته، هر جا برود، نماز طواف می‌بایست پشت آن اقامه شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن ابی المجد حلبی، *إشارة السبق إلى معرفة الحق*، علی بن حسن، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۴ق.
۲. ابن ادريس، حلبی، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن براج، طرابلسی، عبد العزيز بن نحریر، *المهذب*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۶ق.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله اللواتی الطنجی، *رحلة ابن بطوطه*، اکاديمية المملكة المغربية، رباط، ۱۴۱۷ق.
۵. ابن جبیر، ابوالحسن، محمد بن احمد، *رحلة ابن جبیر*، دار و مكتبة الهلال، بیروت، بی تا.
۶. ابن حجر عسقلانی، *فتح الباری*، دارالمعرفة، بیروت، ۱۳۷۹ق.
۷. ابن حمزه، طوسی، محمد بن علی بن حمزه، *الوسيلة الى نیل الفضيلة*، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۸ق.
۸. ابن زهره، حلبی، حمزة بن علی، *غنية النزوع الى علمی الاصول والفروع*، مؤسسه الامام الصادق ع، قم، ۱۴۱۸ق.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۰. ابوالحسن مشکینی، *حواشی المشکینی*، انتشارات لقمان، بی جا، ۱۴۱۳ق.
۱۱. ابوالصلاح حلبی، *الكافی فی الفقه*، مکتبه الامام امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، ۱۴۰۳ق.
۱۲. آخوند خراسانی، *کفایت الاحکام*، محمد کاظم بن حسین، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. ازرقی، ابو الولید محمد بن عبد الله بن احمد، *اخبار مكة و ما جاء فیها من الآثار*، مکتبه الثقافة، مکه مکرمه، ۱۴۱۵ق.
۱۴. استادی، رضا، *الرسائل الأربعة عشرة*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۵. امام خمینی، سید روح الله، *مناهج الوصول*، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی، تهران، ۱۴۱۵ق. ایروانی.
۱۶. ایروانی، علی، *نهایة النهایة*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۰ش.
۱۷. بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، دفتر انتشارات

- اسلامی، قم، ۱۴۰۵ق.
۱۸. بیهقی، ابو بکر احمد بن الحسین، *دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة*، دارالکتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۹. پژوهشکده حج و زیارت، *مِيقَاتُ الْحَجِّ*، نشر مشعر، تهران، بی تا.
۲۰. پژوهشکده حج و زیارت، *مناسک حج محشی*، ویرایش جدید، مشعر، ۱۳۹۲ش.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن عباد، *المحیط فی اللغة*، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۲۲. حر عاملی، *وسائل الشیعة*، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۲۳. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح، *آیات الاحکام*، انتشارات نوید، تهران، ۱۴۰۴ق.
۲۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الإسناد*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۵. خلیل بن احمد، فراهیدی، *کتاب العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۲۶. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، *مصباح الفقاهة فی المعاملات*، بی جا، بی نا، بی تا. (نرم افزار فقه اهل بیت علیهم السلام ۲)
۲۷. خویی، سید ابوالقاسم موسوی، *دراسات فی علم الاصول*، موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۹ق.
۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دارالعلم - الدار الشامیه، لبنان، سوریه، ۱۴۱۲ق.
۲۹. زمخشری، محمود، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، دار الکتب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
۳۰. سبحانی، جعفر، *الحج فی الشریعة الإسلامیه الغراء*، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، ۱۴۲۴ق.
۳۱. سلار دیلمی، حمزة بن عبد العزیز، *المراسم العلویة و الأحکام النبویة فی الفقه الإمامی*، منشورات الحرمین، قم، ۱۴۰۴ق.
۳۲. سلیم بن قیس هلالی، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، نشر الهادی، قم، ۱۴۰۵ق.
۳۳. سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، *جمل العلم و العمل*، مطبعة الآداب، النجف الاشرف، ۱۳۸۷ق.
۳۴. شاهرودی، سید محمود بن علی حسینی، *کتاب الحج*، موسسه انصاریان، قم، ۱۴۰۲ق.
۳۵. شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.

۳۶. شهید اول، محمد بن مکی، *رسائل الشهيد الأول*، بی نا، بی جا، بی تا. (نرم افزار فقه اهل بیت علیهم السلام ۲)
۳۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *حاشیه شرائع الإسلام*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۲۲ق.
۳۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، مؤسسة المعارف الاسلاميه، قم، ۱۴۱۳ق.
۳۹. شیخ صدوق.، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۲ش.
۴۰. شیخ صدوق.، محمد بن علی بن بابویه، *المقنع*، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
۴۱. شیخ صدوق.، محمد بن علی بن بابویه، *الهدایة فی الأصول والفروع*، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
۴۲. شیخ صدوق.، محمد بن علی بن بابویه، *علل الشرائع*، کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
۴۳. شیخ صدوق.، محمد بن علی بن بابویه، *کتاب من لایحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ق.
۴۴. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى*، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۰ق.
۴۵. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الخلافة*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ق.
۴۶. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *عدة الاصول*، چاپخانه ستاره، قم، ۱۴۱۷ق.
۴۷. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد*، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، تهران، ۱۳۷۵ق.
۴۸. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *التبيين فی تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۴۹. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الجمال والعقود فی العبادات*، نشر دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷ق.
۵۰. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۵۱. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*،

- دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ق.
۵۲. شیخ عبدالکریم حائری، *درر الفوائد*، چاپخانه مهر، قم، بی تا.
۵۳. شیخ مفید، محمد بن نعمان، *المقننه*، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۵۴. شیخ مفید، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، اول، قم، ۱۴۱۳ق.
۵۵. صاحب ریاض، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، *ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۸ق.
۵۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، *فقه الحج*، مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ۱۴۲۳ق.
۵۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.
۵۸. طبری، ابو جعفر، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۵۹. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تیسرة المتعلمین*، نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، اول، ۱۴۱۱ق.
۶۰. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تحریر الأحکام علی مذهب الإمامیه*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد، بی تا.
۶۱. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *تذکره الفقهاء*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، مشهد، ۱۴۱۴ق.
۶۲. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ق.
۶۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مجمع البحوث الإسلامیه، مشهد، ۱۴۱۲ق.
۶۴. فاسی مکی، تقی الدین، *شفاء الغوام بأخبار البلد الحرام*، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۶ش.
۶۵. فاضل لنکرانی، محمد، *موحدی، سیرری کامل در اصول فقه*، نشر فیضیه، قم، ۱۳۷۷ش.
۶۶. فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶ق.
۶۷. فاکهی، محمد بن اسحاق، *اخبار مکه*، مکتبه و مطبعة النهضة الحدیثه، مکه مکرمه، ۱۴۰۷ق.
۶۸. فخرالدین رازی، ابو عبدالله، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی،

بيروت، ١٤٢٠ق.

٦٩. فراهاني، مجتبي، **سلسله موسى دوست**، (خاطرات دوران تدريس امام خميني)،

موسسه تنظيم نشر آثار امام خميني، تهران، بي تا.

٧٠. قائني، محمد، **المبسوط في فقه المسائل المعاصرة - الحج والعمرة**، مركز فقهی ائمة

اطهار عليه السلام، قم، ١٤٢٩ق.

٧١. قرطبي، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ١٣٦٤ش.

٧٢. قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله، **فقه القرآن في شرح آيات الأحكام**، كتابخانه

آيت الله مرعشي نجفي، قم، ١٤٠٥ق.

٧٣. كردي مكي، محمد طاهر، **التاريخ القويم**، دارالخير، بيروت، ١٤٢٠ق.

٧٤. كليني، محمد بن يعقوب، **الكافي**، دارالكتب الإسلامية، تهران، ١٤٠٧ق.

٧٥. كيدري، قطب الدين، محمد بن حسين، **إصباح الشيعة بمصباح الشريعة**، مؤسسة

الامام الصادق عليه السلام، قم، ١٤١٦ق.

٧٦. مؤمن سبزواري، علي، **جامع الخلاف والوفاق**، زمينه سازان ظهور امام عصر عليه السلام، قم،

١٤٢١ق.

٧٧. مجلسي، محمد باقر، **بحار الانوار**، موسسه الطبع و النشر، بيروت، ١٤١٠ق.

٧٨. محقق اردبيلي، احمد بن محمد، **مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان**، دفتر

انتشارات اسلامي وابسته به جامعة مدرسين حوزه علمية قم، قم، ١٤٠٣ق.

٧٩. محقق حلّي، نجم الدين جعفر بن حسن، **المختصر النافع**، المعارف الاسلاميه، قم،

١٤١٥ق.

٨٠. محقق حلّي، نجم الدين جعفر بن حسن، **شرايع الاسلام**، المعارف الاسلاميه، قم،

١٤١٥ق.

٨١. مكارم شيرازي، ناصر، **مناسك الحج**، نشر مدرسة علي بن ابي طالب عليه السلام، قم، دوم،

١٤١٦ق.

٨٢. منسوب به امام رضا، علي بن موسى عليه السلام، **فقه الرضا**، مؤسسة آل البيت عليه السلام، مشهد،

١٤٠٦ق.

٨٣. موسى عاملی، صاحب مدارك، محمد بن علي، **مدارك الأحكام في شرح عبادات**

شرائع الإسلام، مؤسسة آل البيت عليه السلام، بيروت، ١٤١١ق.

٨٤. نائيني، محمد حسين، **فوائد الاصول**، جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، ١٣٧٦ق.

۸۵. نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۸۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعه*، موسسه آل البيت علیہم السلام، قم، ۱۴۱۵ق.
۸۷. نظام الدین نیشابوری، حسن بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن*، دار الکتب العلمیہ، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۸۸. یحییٰ بن سعید حلّی، *الجامع للشرایع*، موسسه سیدالشهدا علیہم السلام، قم، ۱۴۰۵ق.

